

The Role of Political-Social Groups in Realizing the Measures for Political Justice in the Islamic-Iranian Model of Progress

Seyyed Kazem Seyyed Baqeri¹, Seyyed Mustafa Marashi²

¹ Associate Professor, Institute of Islamic Culture and Thought; Member of the Qom Political Studies Association, Qom, Iran (**Corresponding Author**). sbaqeri86@yahoo.com

² Level 3 student, Qom Seminary, Qom, Iran. sbaqeri86@gmail.com

Abstract

The present study aims to examine the role of political-social groups in realizing the measures for political justice outlined in the Islamic-Iranian Model of Progress. In this context, the capacities of influential elements such as political-social groups to ensure political justice, a central concept in the model, have been explored. The research method is descriptive-analytical, and the findings show that the realization of political justice prepares the ground for balance, proportion, and moderation in society, ensuring the rightful fulfillment of citizens' rights. With justice governing the interactions and behaviors of the political system and its agents toward citizens, the groundwork is laid for the implementation of the progress model's measures on political justice, which are directly or indirectly emphasized in various sections of the model. Implementing these measures without dynamic political-social groups is impossible. These groups, from which the political system's agents are selected, facilitate the circulation of elites within society and ensure the execution of justice by demanding it through their monitoring efforts. This can be achieved through mechanisms such as enjoining good and forbidding wrong, critical scientific programs, the press, media, virtual spaces, and offering advice and goodwill. Strengthening the culture of free thinking, with respect to ethical norms, for the evaluation and scientific critique of past and current policies and programs, as well as assisting the political system in achieving a just structure through party governance, are among the functions that political parties and groups can perform.

Keywords: Political-Social Groups, Political Justice, Islamic-Iranian Model of Progress, Parties, Political System.

Received: 2023-04-06 ; Received in revised form: 2023-05-11 ; Accepted: 2023-06-18 ; Published online: 2024-03-24
<https://doi.org/10.22034/SM.2022.541901.1771>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



نقش گروه‌های سیاسی - اجتماعی در تحقق تدابیر عدالت سیاسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

سید کاظم سیدباقری^۱، سید مصطفی مرعشی^۲

^۱ دانشیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه قم، ایران (نویسنده مسئول).
sbaqeri86@yahoo.com

^۲ طلبه سطح سه، حوزه علمیه قم، قم، ایران. sbaqeri86@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش گروه‌های سیاسی - اجتماعی در تحقق تدابیر عدالت سیاسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. در این راستا، ظرفیت‌های عناصر اثرگذاری همچون گروه‌های سیاسی - اجتماعی برای تأمین عدالت سیاسی بررسی شده است، که یکی از مفاهیم مرکزی سند الگو به‌شمار می‌رود. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که تحقق عدالت سیاسی، زمینه را برای تعادل، تناسب و اعتدال در جامعه، فراهم می‌سازد و حقوق شهروندان به شایستگی ادا می‌شود. با حاکمیت عدالت در تعاملات و رفتارهای نظام سیاسی و کارگزاران آن با شهروندان، زمینه برای اجرای تحقق تدابیر سند الگوی پیشرفت در عدالت سیاسی فراهم می‌آید که در بندهایی متفاوت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در این سند مورد توجه قرار گرفته است. اجرایی کردن مفاد این بندها بدون گروه‌های سیاسی - اجتماعی پویا، امکان‌ناپذیر است. گروه‌های سیاسی - اجتماعی که کارگزاران نظام سیاسی از آنها انتخاب می‌شوند، گردش نخبگان را در جامعه عملی می‌کنند و با مطالبه عدالت، اجرای آن را در جامعه با نظارت و رصدگری‌های خود تضمین می‌نمایند که می‌تواند از طریق امر به معروف و نهی از منکر، برنامه‌های علمی - انتقادی، مطبوعات، رسانه‌ها، فضاها مجازی، نصیحت و خیرخواهی، عملی شود. تقویت فضای آزاداندیشی با رعایت هنجارهای اخلاقی به منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای گذشته و حال برای تصحیح مستمر قوانین و برنامه‌ها، و همچنین یاری حکمرانی حزبی به نظام سیاسی برای دستیابی به ساختار عادلانه، از جمله کارکردهایی است که گروه‌ها و احزاب سیاسی می‌توانند در آنها نقش بازی کنند.

واژه‌های کلیدی: گروه‌های سیاسی - اجتماعی، عدالت سیاسی، سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، احزاب، نظام سیاسی.

استناد به این مقاله: سیدباقری، سید کاظم؛ مرعشی، سید مصطفی (۱۴۰۳). نقش گروه‌های سیاسی - اجتماعی در تحقق تدابیر عدالت سیاسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. *سیاست متعالیه*، ۱۲(۱): ۱۵۱-۱۶۶. <https://doi.org/10.22034/SM.2022.541901.1771>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵



۱. مقدمه

اصل حاکم در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت^۱، عدالت و التزام به لوازم آن است، به گونه‌ای که هیچ‌یک از بندها و اجزای آن نباید با آن ناسازگاری داشته باشد. عدالت و پابندی به آن، و حرکت در جهت لوازم آن یکی از اصول اساسی در سند و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌باشد. تدابیری در سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از قبیل تضمین آزادی‌ها، دادرسی عادلانه، و شایستگی تخصصی وجود دارد که پوشش جامعه را به سوی عدالت نوید می‌دهد. بخش دیگر آن، نظارت سیاسی - اجتماعی توسط مردم و گروه‌ها است. گروه‌های اجتماعی می‌توانند از طریق شبکه‌های ارتباطی، رسانه‌ها، مطبوعات، فضاهای مجازی و نفوذ خود، مسائل را پیگیری و نظارت کرده و دارای این توانمندی هستند تا اگر ظلمی شود، حجمه‌ای همگانی و مطالبه‌گری فراگیری علیه ظالم به وجود آورند، تا رسیدگی قطعی از طرف مسئولان شکل گیرد. بنابراین، موج دفاع از مظلوم و مطالبه‌گری همگانی، می‌تواند در مواردی جلوی ظلم کارگزاران را بگیرد و مسئولین را نسبت به انجام وظیفه خود، حساس و مراقب سازد. این مطالبه‌گری امروزه، با پیشرفت علوم ارتباطی، و مسائل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، بسیار پررنگ‌تر شده است.

یکی از اساسی‌ترین سازوکارهای پی‌ریزی جامعه مطلوب در اندیشه سیاسی اسلام برای دستیابی به رشد و پیشرفت، عدالت سیاسی است. عدالتی که با حضور آن، نظام سیاسی فرآیند سنجیده و دقیق قدرت سیاسی را در جامعه مورد توجه قرار می‌دهد، حقوق شهروندان را به رسمیت می‌شناسد و برای رسیدن هر فرد به آن حقوق، برنامه‌ریزی می‌کند؛ و مهم‌تر از همه آنکه، زمینه حضور فعالانه و مسئولانه شهروندان را فراهم می‌آورد و شایستگان و صالحان در مصدر قدرت قرار می‌گیرند. عنصری که می‌تواند گامی اساسی برای رشد و شکوفایی جامعه باشد (حکیمی، ۱۳۸۹: ص ۱۴۳). با توجه به اهمیت این مسأله، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که گروه‌های سیاسی - اجتماعی در تحقق تدابیر عدالت سیاسی سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چه نقشی دارند؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که گروه‌های سیاسی - اجتماعی می‌توانند در اموری مانند نظارت و رصدگری نظام سیاسی در بستر آزادی، حکمرانی حزبی، تعالی بخشی فهم مردم از حقوق شهروندی، بسترسازی مشارکت سیاسی فعال و گزینش‌گری شایستگان، در جهت اجرای تدابیر عدالت سیاسی، نقش اساسی داشته باشند. این مهم با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از نظریه‌های آشوب و ساختار - کارگزار انجام شده است.

در دهه گذشته، درباره الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تحقیقات متعددی انجام شده است، از جمله کتاب «نگاشت‌ها و نگرش‌هایی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، عدالت و پیشرفت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶)، که درباره مبانی، الگو، شاخص‌های عدالت و نظریه‌های آن در اندیشه اسلامی و غربی بحث کرده است. همچنین اسلام‌پناه و هادوی‌کاشانی (۱۳۹۷) نیز در تحقیقی با عنوان «عدالت و الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی»، پیرامون مباحثی مانند اصول، الگو و عدالت در اندیشه اسلامی بحث کرده‌اند. جعفرپیشه‌فرد و جبل عاملی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر پیشران پیشرفت در دولت اسلامی»، به بررسی تدابیری مانند امر به معروف و نهی از منکر برای پیشرفت سیاسی پرداخته‌اند.

۲. مفاهیم پژوهش

عدالت در لغت به معنای مساوات، برابری، انصاف و دادگری آمده که نقطه مقابل ظلم و تبعیض است. در عدالت سیاسی بحث از ساختی سیاسی است که در آن به شکل منصفانه‌ای، امکانات توزیع شود و عدالت در این زمینه مربوط به نحوه توزیع قدرت و عدم تمرکز آن و تفکیک قوا است. چراکه تمرکز قدرت در غیرمعصوم، معمولاً موجب فساد می‌شود (منتظری، ۱۳۸۸: ص ۵۹۶). منظور از عدالت سیاسی ارزشی است که با فراگیر شدن آن، امور جامعه در پیوند با قدرت، به تناسب در جای خود قرار می‌گیرند و حقوق شهروندان به شایستگی ادا می‌شود. با عدالت سیاسی بستر انتخاب شهروندان و محدودیت قدرت فراهم آمده و مسیر جامعه برای رسیدن به حق، گشوده می‌شود (سید باقری، ۱۳۹۷: ص ۴۸).

گروه، مجموعه‌ای از انسان‌ها است که دارای روابط نسبتاً پایدار مبتنی بر عاطفه و احساس مشترک، و دارای هدف مشترک می‌باشند (تنهایی، ۱۳۸۲: ص ۷۱). در پژوهش حاضر منظور از «گروه‌های سیاسی- اجتماعی»، هر مجموعه‌ای منسجم، به هم پیوسته، نظام‌مند و دارای تشکیلات است که در جامعه اثرگذاری دارد، در این تلقی، همه احزاب، تشکله‌ها، انجمن‌ها، سمن‌ها و مجامع، ذیل این گروه‌ها قرار می‌گیرند که طبعاً هر کدام به دنبال منافع یا اهداف خاص خود هستند.

۳. تمهید نظری

۳-۱. نقش‌های کوچک، تغییرات بنیادین

نظریه آشوب^۱ اولین بار در مسائل مربوط به هواشناسی توسط ادوارد لورنز^۲ و در سال ۱۹۶۳ مطرح شد و

1. Chaos theory

2. Edward Norton Lorenz

امروزه در قلمروی پیگیری می‌شود که در آن آگاهی‌های عمومی، داده‌های رسانه‌ای و فن‌آوری اطلاعات، شتابان در حال حرکت بوده و پیشرفت‌های تک‌خطی، با چالش مواجه شده است. این عوامل، باعث پیدایش نگرش و زبان جدیدی در تحلیل مسائل اجتماعی گردیده است. این نظریه تأکید دارد که تغییر جزئی و کوچک در یک امر می‌تواند اثرات گسترده‌ای را به وجود آورد که از آن به اثر پروانه‌ای^۱ تعبیر می‌شود؛ «قبلاً تصوّر می‌شد که وقایع تغییردهنده جهان، مواردی مانند بمب‌های بزرگ، سیاستمداران کم‌عقل، زمین لرزه‌های عظیم یا جابجایی‌های گسترده جمعیت است، اما اکنون می‌توان گفت که این تلقی، دیدگاهی قدیمی است؛ زیرا مردم در دنیای جدید، با کارهای کوچک، اموری بزرگ را تغییر می‌دهند، این جمله مشهور است که پروانه‌ای در جنگل آمازون بال می‌زند و متعاقباً طوفانی در اروپا برپا می‌شود.^۲ پژوهش حاضر درصدد بررسی صحت و سقم این دیدگاه نیست، اما از این نظریه، چنین الهام می‌گیرد که تغییرات کوچک، می‌توانند پیامدها و نتایج بسیاری به دنبال داشته باشند. بعدها کسانی چون جیمز روزنا این مباحث را در علوم سیاسی وارد کردند (روزنا، ۱۳۸۴). این بحث، نگره‌ای جدید پیش روی اندیشه‌وران سیاسی - اجتماعی قرار می‌دهد که گاه مسائل به ظاهر کوچک سیاسی می‌تواند بحران‌هایی چالش‌زا به وجود آورند. «در همه پدیده‌ها، نقاطی وجود دارد که تغییرات اندک در آنها موجب تغییرات عظیم خواهد شد و در این رابطه نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سازمانی همچون سامانه‌های جوی، از اثر پروانه‌ای برخوردارند (الوانی، ۱۳۷۸: ص ۴۲).

بهره‌ای که پژوهش حاضر از این نظریه می‌گیرد، آن است که شهروندان، گروه‌های اجتماعی و کارگزاران نظام سیاسی باید در نظر داشته باشند و دریابند که تغییرات بزرگ گاه از حوادث کوچک آغاز می‌شود. گروه‌های اجتماعی نباید نقش و اثرگذاری هرچند کوچک خود را در جامعه و در تعیین سرنوشت خویش کوچک شمارند. هر گروه اجتماعی هرچند کوچک، هر جا که هست و هر کاری که می‌کند، فکر نکند که کارش کوچک و بی‌اثر است. باید در نظر داشت که هر ذره هرچند ناچیز، نقشی اثرگذار دارد، ذرات ریز گرداب، در کنار هم قرار می‌گیرند و با کمک جابجایی هوا، طوفانی عظیم برپا می‌کنند و می‌توانند همه معادلات و پیش‌بینی‌ها را درهم بریزند. هر قطره آب نیز به ظاهر کوچک، در کنار دیگر قطره‌ها، اقیانوسی بزرگ را می‌سازد. همین روند در نقش گروه‌های اجتماعی کوچک نیز قابل صدق است، آنان زمانی که متحد و یک‌دل شوند، می‌توانند انقلابی بزرگ به وجود آورند و جامعه را به سوی پیشرفت و رشد هدایت کنند. این امر در رأی‌گیری‌ها، اعتراض‌های مدنی و همکاری‌های اجتماعی قابل فهم و مشاهده است. این مسأله البته با

1. BUTTERFLY EFFECT

2. <https://fs.blog/2017/08/the-butterfly-effect>

احساس مسئولیت همراه می‌شود که می‌تواند فرآیندها را متحول سازد. زمانی که گروه‌های اجتماعی و مردم در قبال مسائل جامعه خویش بی‌تفاوت نباشند، می‌توانند با کوچک‌ترین اقدام هماهنگ خویش، تغییراتی بنیادین در جامعه به وجود آورند، اما اگر هر گروه بگوید که «فلان امر به ما ربطی ندارد»، و بی‌خیالی در جامعه فراگیر شود، طبعاً قدرت‌طلبان و جاه‌پرستان از عدم احساس مسئولیت آنان، سوءاستفاده می‌کنند و به مراد خویش می‌رسند. بخشی از این مهم را می‌توان در بحث امر به معروف و نهی از منکر به خوبی رصد کرد، که در ادامه بررسی می‌شود.

۳-۲. گروه‌های اجتماعی فعال، ساختار مسئولیت‌پذیر

گروه‌های اجتماعی فعال هر جامعه، در صورتی می‌توانند در امور جامعه به شایستگی نقش بازی کنند و جامعه را به سوی عدالت حرکت دهند که با ساختار سیاسی، تعامل و ارتباط استوار داشته باشند و از اظهارنظر درباره رفتار، گفتار، قوانین و لوایح در نظام سیاسی، دریغ نکنند، و البته از این امر ترسی به دل نداشته باشند. این امر در ساختاری قابل تحقق است که نظام سیاسی در برابر رفتار خود، پاسخگو، مسئولیت‌شناس و نقدپذیر باشد. در این حالت، گروه‌های اجتماعی، به عنوان عاملان و کارگزاران ساختار، نظام سیاسی را از آن خود می‌دانند، خوب و بد، ناکامی و کامیابی‌های آن را برای خویش تحلیل می‌کنند و می‌کوشند تا در همکاری، آن را در دستیابی به اهداف خود یاری دهند. نکته مهم در اینجا آن است که اگر مسئولین، پاسخگو نباشند، گروه‌های سیاسی - اجتماعی می‌توانند با تعالی‌بخشی فهم و آگاهی‌رسانی به جامعه و مردم، آنان را وادار به این امر کنند.

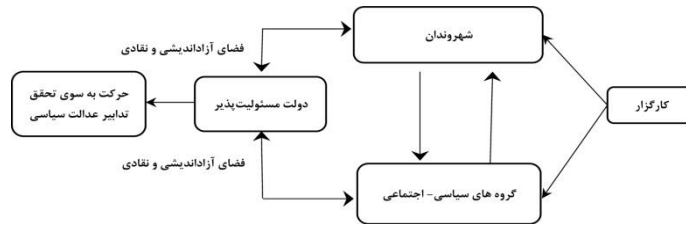
این بحث برداشتی از نظریه ساختار^۱ - کارگزار^۲ است که نقش هر یک از این عوامل، به تنهایی یا در تعامل با یکدیگر بررسی می‌شود. این نظریه بر همیاری میان ساختار و کارگزار تأکید دارد. این نظریه مانند ساختارگرایان نیست که همه امور را به ساختار فرو کاهد، تا نقش افراد و گروه‌ها در نظام سیاسی کوچک انگاشته شود؛ زیرا در «ساختارگرایی» افراد نمی‌توانند فراتر از چارچوب‌ها یا ساختارها عمل کنند و کنش فردی در داخل ساختار امکان‌پذیر است» (حقیقت، ۱۳۸۹: ص ۱۵۴). همچنین مانند نگره‌ای نیست که همه تأکید را بر نقش عاملیت می‌گذارد، تا کنشگران بتوانند دست به هر کنش اجتماعی بزنند و به اختیار خویش هر اقدامی انجام دهند؛ دیدگاهی که دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از نظریه‌پردازان از طرفداران انتخاب عقلایی،

1. Structure

2. Agency

انتخاب عمومی، کثرت‌گرایان تا طرفداران نظریه مبادله است. دیدگاه این گروه آن است که تبیین اجتماعی را باید از فرد شروع کرد (درستی، ۱۳۷۹: ص ۲۳۱-۲۳۲).

اما آنچه در نقد و گذر از این دو دیدگاه مطرح می‌شود، آن است که ساختار و کارگزار، منطقاً مستلزم یکدیگر و در تعامل با هم هستند. بر این اساس، «یک ساختار اجتماعی یا سیاسی به دلیل قیدوبندهایی که بر کارگزاری می‌زند و یا فرصت‌هایی که برای آن فراهم می‌آورد، تداوم می‌یابد و عملاً نمی‌توان ساختار بدون کارگزار و بالعکس را تصور کرد» (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ص ۳۰۴). لذا، میان گروه‌های اجتماعی به عنوان کارگزار و ساختار سیاسی مسئولیت‌شناس، نوعی رابطه تعاملی و تکاملی برقرار است. این نظریه را می‌توان در نظریه بازاندیشانه «ساخت‌یابی» آنتونی گیدنز^۱ پیگیری کرد. گیدنز می‌کوشد تا دیدگاهی ترکیبی را طرح کند و ارتباط عامل و ساختار را به گونه‌ای متفاوت حل نماید. او در این نظریه بر تولید متقابل ساختار و کنش تأکید دارد. ساختار و عاملیت هیچ‌کدام به تنهایی تعیین‌کننده نیست، بلکه به طور اجباری در رفتار سیاسی دخیل‌اند (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ص ۷۲-۷۳). با این وصف به نظر می‌رسد که در تحقق تدابیر عدالت سیاسی ناظر به سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، کارگزار که بخشی مهم از آن، گروه‌های اجتماعی هستند و ساختار سیاسی که در نظام سیاسی مسئولیت‌پذیر جلوه‌گر می‌شود، در فرآیندی تعاملی می‌توانند زمینه‌های تحقق معیارهای عدالت سیاسی مانند اعتدال، احقاق حقوق، شایسته‌سالاری و مشارکت پویا را فراهم سازند. در سند الگو نیز بر مواردی چون نهادینه‌سازی مشارکت نظام‌مند نخبگان در تصمیم‌سازی‌های کلان (بند ۴۵)، تقویت تشکّل‌های مردمی (بند ۴۶) و احزاب ملی تأکید شده است که به تقویت جایگاه شهروندان و گروه اجتماعی می‌انجامد. از سوی دیگر، بر شفاف‌سازی و نظارت بر درآمد و رفتار مسئولان حکومتی (بند ۵۰)، انتخاب آنان بر پایه شایستگی تخصصی (بند ۴۹)، پاسخگویی (بند ۴۹)، برخورد بدون تبعیض با متخلفان و مفسدان (بند ۵۱) و ایجاد فرآیندهای عادلانه، قانون‌مند و شفاف در تخصیص امتیازات دولتی و عمومی (بند ۵۰) تأکید شده است که به ایجاد دولت شایسته و مسئولیت‌پذیر می‌انجامد و برای آنکه فراگرد تعاملی این دو طیف یعنی گروه‌های اجتماعی با دولت، در بستری آزاد و پیشرونده شکل گیرد، در سند الگو عناصر تأثیرگذاری مانند تقویت فضای آزاداندیشی (بند ۴۷)، ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها (بند ۴۷)، ارتقای نظارت رسمی، مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و اجزای نظام (بند ۵۱) و ارتقای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی (بند ۴۸) حضوری جدی و اثربخش دارند.



نمودار ۱- تعامل کارگزار و ساختار در تحقق تدابیر عدالت سیاسی

۴. گروه‌های سیاسی- اجتماعی و تدابیر عدالت سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت

عدالت یک حقیقت همیشگی هستی بوده و هستی براساس آن به وجود آمده است و همه انبیای الهی به دنبال تحقق آن بوده‌اند (حدید، ۲۵). در سند الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، گروه‌های سیاسی- اجتماعی دارای نقشی تعیین‌کننده هستند و در موقعیت‌ها و عرصه‌های مختلف، از نقش آنان یاد شده است؛ زیرا گروه‌ها غالباً دارای قدرت نفوذ جمعی و اثرگذار هستند و با حضور فعال آنان، صاحبان قدرت به سادگی نمی‌توانند حق شهروندان را زیر پا گذارند. برخی از این ظرفیت‌ها، در ادامه بررسی می‌شود.

۴-۱. نظارت و رصدگری نظام سیاسی در بستر آزادی

نظارت بر رفتار و گفتار کارگزاران حکومتی، به ویژه نظارت فرادولتی توسط گروه‌های سیاسی- اجتماعی و احزاب، یکی از شاهراه‌های دستیابی به عدالت سیاسی است. نظارت عبارت است از «تعیین میزان مطلوب کیفیت نیروی انسانی و کارها، و سنجش دائمی نیروی انسانی و کارها در دست اقدام با موازین تعیین‌شده و اقدام لازم به منظور حفظ یا رساندن نیروی انسانی و کارها به میزان مطلوب» (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ص ۱۲). نظارت منصفانه گروه‌های اجتماعی، در بندهایی چندگانه از سند الگو ذکر شده است، از جمله در بحث تدبیر، ۵۱ بحث از «ارتقای نظارت رسمی، مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و اجزای نظام» طرح شده است که دارای اهمیتی بالا بوده و در بند ۴۷ بر «تقویت فضای آزاداندیشی با رعایت هنجارهای اخلاقی، به منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها» تأکید شده است.

از آنجا که قدرت سیاسی می‌تواند به فساد و استبداد بیانجامد، مسأله نظارت بر حکومت، از مهم‌ترین مسائل و در عین حال پیچیده‌ترین امور در نظام‌های سیاسی گذشته و حال بوده است که برای تضمین، بقاء و اطلاع از کیفیت عملکرد و اجرای برنامه‌های خود، به آن نیازمند است. با نظارت، سطح همکاری‌های بین گروه‌های اجتماعی و نهادهای دولتی گسترش یافته و آنان با آگاهی از امور، کاستی‌های خود را برطرف می‌کنند.

آیات بسیاری در قرآن کریم، بر نظارت در قالب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند، در برخی از آیات بر وجود گروهی در جامعه اشاره شده که وظیفه آنان امر به معروف و نهی از منکر است، «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنها رستگارانند» (آل عمران، ۱۰۴). رشیدرضا در تفسیر «المنار» به نقل از استادش محمد عبده، ذیل این آیه نقل می‌کند که مخاطب آیه، همه جماعت مؤمنین است، «امت» به معنای گروهی متشکل از افرادی است که دارای پیوندی استوار و یگانگی هستند و منظور از اینکه همه مؤمنین مخاطب آیه هستند تا این امت را تشکیل دهند، آن است که هر فرد اراده‌مند برای ایجاد و سعادت‌آوری آن و نظارت بر حرکات و رفتار آنان به مقدار توان تلاش کنند، تا اگر خطا یا انحرافی در امت دیدند، خطایان را به راه راست برگردانند، آنگونه که مسلمانان در صدر اسلام چنین می‌کردند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۳۰). وی سپس در ادامه بیان می‌کند که در معنی امت، نوعی ارتباط و وحدت وجود دارد که با وجود اختلاف وظایف و رفتارهای افراد، گویی شخصی واحد است، این امت در امور اجتماعی ورود پیدا می‌کند که از مسائل مرتبط با حاکمان است، برای همین است که در این وظیفه، «امت» مطرح شده است که در معنای آن قدرت و اتحاد وجود دارد؛ زیرا اینگونه امور بدون آن دو ویژگی، به انجام نمی‌رسد، پس، امت و گروه یک‌دل، از سوی افراد، مقهور و مغلوب نمی‌شود و نمی‌تواند ضعف و ناتوانی را حتی یک روز بهانه کند، تا از وظایف خویش سرباز زند، که اگر چنین شود، فساد به همه جامعه مسلمین سرایت می‌کند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۳۷). وی در ادامه به نکته‌ای ظریف اشاره می‌کند، مبنی بر اینکه یکی از وظایف این امت و جماعت، رویارویی با ستمگران است؛ زیرا ظلم، زشت‌ترین منکر بوده، و ستمکار همیشه قوی است، برای همین است که در نهی‌کنندگان از منکر، شرط شده است که امت باشند؛ زیرا غالباً مخالفت با امت راحت نیست و به سادگی مغلوب نمی‌گردد. پس، این امت و رفتار اوست که انحراف‌های حکومت را اصلاح می‌کند (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۳۷). این عده می‌تواند هر شخص یا ارگان و سازمانی باشد و لازم نیست زیر نظر نظام اسلامی باشد؛ چراکه سیاق آیات نشان می‌دهد که امت، جمع صالحی است که علمی نافع و عملی صالح دارد و درصدد است علم و تمدن خود را با تمام نیرو حفظ کند. از این‌رو افراد چنین مجتمعی اگر فردی را که از آن علم تخلّف کرده، ببینند، او را به سوی آن برمی‌گردانند و این طور نیست که او را به حال خود رها کنند، تا در پرتگاه منکر سقوط کند (طباطبایی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۳۷۲). بنابراین، گروه‌های سیاسی - اجتماعی می‌توانند به صورت خودجوش برای تحقق عدالت سیاسی بر اجرای کار ادارات نظارت کنند، تا موجبات پیشرفت را در سایه چنین عدالتی فراهم آورند. نظارت رسمی و غیررسمی، نقش پیشگیرانه‌ای در افتادن نظام

سیاسی به دامن فساد سیاسی بازی می‌کند. دولت‌ها می‌توانند در سایه آن، توانمندی‌های خود را افزایش داده و کارآمدی خویش را گسترش دهند، و تحقق حقوق شهروندان را تسهیل نمایند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ص ۵۰). آموزه امر به معروف و نهی از منکر، در عین نظارت بر نظام سیاسی، با مشارکت سیاسی نیز پیوند دارد؛ و دارای دو جهت پیش‌برنده و بازدارنده است، هم مفهوم نظارت، نقد و اعتراض در آن نهفته است و هم مفهوم راهنمایی و همکاری.

۴-۲. نقش حکمرانی حزبی برای دستیابی به ساختار عادلانه

در بند ۴۶ سند الگو، بر گسترش و تقویت تشکّل‌های مردمی و احزاب ملی به منظور افزایش سرمایه اجتماعی، انسجام و اقتدار ملی و تحکیم ساختار درونی و کارآمدی نظام تاکید شده است که نشان از برجستگی جایگاه گروه‌ها و احزاب در امور مختلف جامعه اسلامی دارد. از دیگر سو، در بند ۴۷ به تقویت فضای آزاداندیشی با رعایت هنجارهای اخلاقی، به منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای گذشته و تصحیح اعمال، سفارش شده است. به نظر می‌رسد که هر دو بند در صورتی نقشی عملیاتی به خود می‌گیرند که در فرآیند رقابتی، زمینه برای حکمرانی حزبی و در گام بعد، ساختار عادلانه فراهم گردد. در صورتی می‌توان از تقویت گروه‌های مردمی دم زد که سازه قدرت، به بازی گرفتن احزاب را در فرآیندی برابر و رقابتی بپذیرد؛ به گونه‌ای که تحکیم و ساخته‌سازی فضای آزاداندیشی زمانی در جامعه فراهم می‌شود که گروه‌های قوی، منسجم، با تشکیلات شفاف در جامعه وجود داشته باشند. در غیر این صورت، احزاب دولتی که به نحوی از قدرت یا ثروت، اثر می‌پذیرند، نه تنها کمکی به فضای آزاداندیشی نمی‌کنند، که گاه مسیر را بر دیگر گروه‌ها و شهروندان نیز می‌بندند و با ظاهری مردم‌سالار، رقابتی و ادعاکارانه، دیگران را از حضور در صحنه رقابت خارج می‌سازند؛ زیرا آنان را مزاحم منافع خویش می‌پندارند. بنابراین، احزاب و گروه‌هایی که مدیون قدرت‌های داخلی یا خارجی هستند و در زمان انتخابات رأی‌گیری فعال می‌شوند و پول پخش می‌کنند، یا به تحریک عوام می‌پردازند، نه تنها کمکی به عدالت نمی‌رسانند، بلکه مانعی اساسی برای تحقق عدالت خواهند بود.

حکمرانی حزبی بخشی از ساختار عادلانه و درصدی مهم از تحقق عدالت را به صورت پیشینی تأمین می‌کند. جان راولز باور دارد که در عدالت سیاسی، در کنار قانون که باید عادلانه باشد، نظام سیاسی باید به گونه‌ای چارچوب‌بندی شود که نسبت به همه سامانه‌های عادلانه ممکن، به یک نظام قانون‌گذاری عادلانه و کارآمد منجر شود (راولز، ۱۳۹۰: ص ۳۴۲). در واقع این امر که به نظام قانونمند و رقابتی منجر می‌شود، گامی بنیادین به سوی ساختار عادلانه است.

این تجربه در ایران معاصر، با فراز و نشیب‌هایی روبرو بوده است، به گونه‌ای که تلاش محمدحسین نائینی در نظریه‌پردازی نظام مشروطه، گامی مهم بود، تا هم از قدرت مطلقه استبدادی کاسته شود، هم زمینه برای به‌کار گرفتن مردم و گروه‌ها، و ایفای نقش آنها در امور جامعه فراهم آید. وی می‌دانست آنگاه که نظام، مشروطه شود، جلوی بسیاری از خودرایی‌ها و ستم‌ها گرفته می‌شود و مردم گام‌به‌گام می‌توانند با داشتن حق رأی و مشروط کردن قدرت، به برخی از حقوق خویش دست یابند.

ساختار عادلانه درصدی مهم از حقوق را تأمین می‌کند و می‌تواند جلوی ناحقی‌ها را بگیرد. قوانین عادلانه اسلام در قالب ساختار عادلانه به انجام می‌رسند. حتی با وجود تقوای نفسانی و عدالت درونی، ممکن است کارگزاری در نظام سیاسی، ناخواسته یا نادانسته، ظلم کند؛ زیرا ساختار، گنجایش و ظرفیت بازداری افراد از ظلم را ندارد و مقدمات لازم و کافی فراهم نیست، فرد چه بسا تلاش می‌کند که عدل ورزد، اما از آنجا که ساختار سیاسی براساس نابرابری یا امتیازات ویژه تنظیم شده است، نمی‌تواند به آن دست یابد، حال یا روند امور را اشتباه تشخیص می‌دهد و یا امور به نحوی رو به جلو می‌روند که به ستم می‌انجامد. لذا؛ ساختار عادلانه در کنار عدالت فردی از اهمیتی دوچندان برخوردار است. می‌توان از ژرف‌اندیشی‌های عقلی و عقلایی که بشری آن را تجربه کرده، بهره گرفت و سامانه‌ای را طراحی کرد که حداقل، در آن ظلم کمتری رخ دهد. برای نمونه، حکم‌رانی حزبی، یکی از این تجربیات است. در این نوع از حکم‌رانی، افراد در یک روند طولانی و سنجیده، دارای لیاقت و تجربه می‌شوند و به تدریج مراحل پیشرفت در عرصه سیاسی را طی می‌کنند و آنگاه در جریان رقابت‌های داخلی حزب، به جایگاهی می‌رسند و می‌توان باور داشت که فرد انتخاب شده، از توانمندی‌های قابل توجهی برخوردار بوده است، و آنگاه که در روندی رقابتی، نمایندگان احزاب برای رأی‌گیری به شهروندان عرضه می‌شوند، زمینه برای انتخاب افراد مجرب، کاردان و کارآمد، فراهم می‌گردد. پس، این ساختار به گونه‌ای تنظیم می‌شود که فرد ناشایست به ندرت می‌تواند به میز قدرت دست یابد، این امور جامعه را به شایسته‌سالاری که یکی از معیارهای عدالت سیاسی است، نزدیک می‌کند.

۴-۳. تعالی بخشی فهم مردم از حقوق شهروندی

اساسی‌ترین مفهوم در عدالت از جمله عدالت سیاسی، حق و احقاق آن است. اگر در جامعه‌ای حقوق شهروندان به درستی ادا گردد، زمینه‌ساز یابی به عدالت فراهم شده است. حقوق شهروندی، مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم برخوردار می‌باشند (هاشمی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۱۳۶). با آنکه حقوق در عدالت، جایگاهی والا دارد، اما شناخت و درخواست هم‌دلانه آن از سوی

شهروندان، امری بایسته است که غالباً در جوامع انسانی فراموش می‌شود. در بند ۴۸ سند تدابیر الگو، بحث از «تعالی و ارتقای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از طریق اجرای کامل قانون اساسی در حوزه آزادی‌های فردی و اجتماعی و آموزش و ترویج حقوق و تکالیف شهروندی» است. این بند و بندهای دیگر، در صورتی عملیاتی می‌شوند که مردم از حقوق خویش آگاهی داشته باشند. داشتن زمینه‌های رشد، حق هر شهروندی است. برابری در قبال قانون، نظارت بر اداره امور و بازخواست از متصدیان امر، تأمین امنیت در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، حقوقی و شخصی، زندگی در محیطی صلح‌آمیز و آرام، آزادی‌های عمومی، عدالت و برابری همه شهروندان و... از دیگر حقوق سیاسی شهروندان است که درصددی از رعایت آنها وابسته به تعالی فهم شهروندان بوده، و تأمین آنها در جامعه به گسترش سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی به نظام سیاسی می‌انجامد.

عامل عمده تضییع حقوق انسان‌ها، جهل است. بسیاری از عقب‌ماندگی‌های سیاسی ناشی از نادانی شهروندان است، شهروندانی که به حقوق خود آگاه نباشند، جامعه‌ای خموده و تابع به وجود می‌آورند و اصولاً تقاضایی برای پیشرفت در اینگونه جوامع شکل نمی‌گیرد. شهروندان آگاه، نسبت به حقوق خویش و چگونگی دستیابی به آنها، قدرت تحلیل پیدا می‌کنند و به سادگی به حاکمان اجازه نمی‌دهند که هرگونه دوست دارند با منافع و مصالح آنان رفتارکنند. از این‌رو، چنین جوامعی بستر پیشرفت و احقاق حقوق و دستیابی به عدالت را می‌یابند. شهروندان آگاه و دانا، تصمیم‌های سیاسی را نقد می‌کنند و این نقادی و اعتراض و اصلاح موجب می‌شود تا در فرآیندی معقول و منطقی تصمیم‌ها گرفته شده و در نهایت به تقویت ساختار سیاسی نیز منجر شود. نقش گروه‌های سیاسی - اجتماعی از آنجا مهم است که غالباً توده مردم، مشغول زندگی روزمره خود هستند و چندان از چگونگی امور جامعه خویش آگاهی ندارند، اما این گروه‌ها با برنامه‌ریزی و حضور در مجامع عمومی یا از طریق رسانه‌های جمعی و مجازی، می‌توانند نسبت به ارتقای آگاهی‌ها، نقش ایفا کنند و گاه کارگزاران را مجبور سازند تا مسئولیت رفتار و گفتار خویش را بپذیرند و نسبت به عملکرد خود در برابر مردم، پاسخگو باشند.

۴-۴. بسترسازی مشارکت سیاسی فعال

«مشارکت سیاسی عبارت است از مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاست دولت» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹: ص ۵۲۲). تعاون در امور خیر اعم از فردی یا سیاسی، یکی از آموزه‌های اسلامی بوده و در آیات قرآن کریم بر آن تأکید شده است. خدای متعال بر مشارکت مؤمنین در امور جامعه،

تاکید می‌کند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ * و در ادامه از همکاری در گناه و ستم، نهی می‌کند* وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲). ملاصدرا معتقد است: شکی نیست، انسان به کمالی که برای آن آفریده شده است، نمی‌رسد، مگر با همراهی اجتماعی که هر کدام دیگری را در اموری که به آن نیاز دارد، یاری می‌کند (صدرالمتألهین، ۱۳۵۴: ص ۴۹۰). با توجه به این امر، در برخی از بندهای سند الگوی پیشرفت، از جمله بندهای ۴۵، بر مشارکت فعال شهروندان یا زمینه‌سازی برای آن، تأکید شده است، طبعاً زمینه‌سازی منطقی و نظام‌مند در قالب احزاب ملی و گروه‌های سیاسی اجتماعی به انجام می‌رسد.

آموزه مشورت، این زمینه را به وجود می‌آورد که گروه‌ها و شهروندان بتوانند آزادانه، در اظهار دیدگاه خود، نقد قدرت کنند و پله‌پله، حرکت به سوی میز قدرت را تجربه کرده و گردش نخبگان در جامعه، عملی گردد. از مهم‌ترین اصول پذیرفته‌شده در نظام‌های سیاسی معاصر، شرکت و دخالت شهروندان در اتخاذ تصمیمات سیاسی است. مشارکت همگانی و فعال به این معنا است که نظام سیاسی به‌گونه‌ای طراحی شود که زمینه هر نوع تبعیض، بی‌عدالتی و موروثی بودن حکومت در آن مسدود گردد. بنابراین، شاکله نظام سیاسی به‌گونه‌ای است که تمام اقوام، قبایل، پیروان ادیان و مذاهب گوناگون با زبان‌ها و گرایش‌های مختلف می‌توانند در آن مشارکت نمایند. میزان مشارکت سیاسی در سطوح مختلف جامعه، به اموری چون رأی دادن، آزادی بیان، حضور در تشکّل‌های فعال سیاسی، نقد و ارزیابی عملکرد نهادها و مسئولین و نامزدی برای کرسی‌های سیاسی وابسته است. مشارکت سیاسی فعالانه و اثرگذاری احزاب و گروه‌ها، نباید به زمان انتخابات محدود شود، بلکه باید شرایطی فراهم آید که آنان بتوانند در همه مسائل و امور سیاسی و سیاست‌گذاری و نه فقط سیاسی، دخالت کنند و اثرگذار باشند.

۴-۵. گزینش‌گری شایستگان

جلوه عدالت سیاسی، در کارگزاران شایسته است. هرگاه فضا و بستری برای «تعالی و ارتقای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از طریق اجرای کامل قانون اساسی در حوزه آزادی‌های فردی و اجتماعی» (بند ۴۸) فراهم آید و شهروندان بتوانند در فضایی تعاملی، تضاربی، انتقادی و رقابتی، وارد میدان گزینش‌گری و انتخاب‌شدگی شوند، زمینه برای انتخاب شایستگان و تجلّی «شایستگی تخصصی» (بند ۴۹) فراهم می‌آید. شهروندان به عنوان کارگزاران عدالت، می‌توانند دست به انتخاب زنند و مجال را برای بر صدر نشاندن شایستگان فراهم سازند. در سایه عدالت، تمام افراد جامعه براساس لیاقت و توانشان به کار گمارده می‌شوند. در جامعه اسلامی، حرف نخست را شایستگی‌های علمی، اخلاقی، روحی و نظایر آن می‌زند. هر فرد باید به تناسب قابلیت و استعدادی که دارد، بتواند سلسله مراتب را به سوی کسب قدرت طی نماید و مانعی نباید یا نتواند فرد

را از مدارجی که مرهون استعداد، پشتکار و کارآمدی اوست، بازدارد. پس، «باید سازوکاری وجود داشته باشد تا بتوان فرصت‌های برابر را در جامعه به وجود آورد؛ زیرا در برابری فرصت‌ها، هر کس دارای شایستگی بیشتری است، به موقعیت برتر سیاسی - اجتماعی دست می‌یابد (سید باقری، ۱۳۹۷: ص ۲۴۹).

۵. نتیجه‌گیری

تحقق عدالت سیاسی، زمینه را برای تعادل، تناسب و اعتدال در جامعه، فراهم می‌سازد و حقوق شهروندان به شایستگی ادا می‌شود. با حاکمیت عدالت در تعاملات و رفتارهای نظام سیاسی و کارگزاران آن با شهروندان، زمینه برای اجرای تحقق تدابیر سند الگوی پیشرفت در عدالت سیاسی فراهم می‌آید که در بندهایی متفاوت به صورت مستقیم، مانند بندهای ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۰ و ۵۱ یا غیرمستقیم، مانند بندهای ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۴۹ و ۵۲ در این سند مورد توجه قرار گرفته است. اجرایی کردن مفاد این بندها بدون گروه‌های سیاسی - اجتماعی پویا، امکان‌ناپذیر است. گروه‌های سیاسی - اجتماعی که کارگزاران نظام سیاسی از آنها انتخاب می‌شوند، گردش‌نخبگان را در جامعه عملی می‌کنند و با مطالبه عدالت، اجرای آن را در جامعه با نظارت و رصدگری‌های خود تضمین می‌نمایند که می‌تواند از طریق امر به معروف و نهی از منکر، برنامه‌های علمی - انتقادی، مطبوعات، رسانه‌ها، فضاها، مجازی، نصیحت و خیرخواهی، عملی شود. تقویت فضای آزاداندیشی با رعایت هنجارهای اخلاقی به منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای گذشته و حال برای تصحیح مستمر قوانین و برنامه‌ها، و همچنین یاری حکمرانی حزبی به نظام سیاسی برای دستیابی به ساختار عادلانه، از جمله کارکردهایی است که گروه‌ها و احزاب سیاسی می‌توانند در آنها نقش بازی کنند. نظریه آشوب و اثر پروانه‌ای به ما این الهام را می‌دهد که گروه‌های سیاسی - اجتماعی باید دریابند که تلاش آنان هر قدر هم که کوچک باشد، آنگاه که در عرصه‌های مختلف به هم پیوسته شوند و اقدام هماهنگ انجام دهند، می‌توانند تغییراتی اساسی به وجود آورند. نظارت، از طریق اعتمادسازی و تعامل مستمر با مردم، صداقت در عمل و پاسخگویی در قبال ایشان ممکن خواهد بود. مسئولیت و پاسخگویی دو مفهوم ملازم یکدیگرند، ملازمه مسئول بودن، پاسخگویی است. مهم‌ترین رکن، مردم و حقوق و آزادی‌های آنان بوده، و از مهم‌ترین اهداف اندیشمندان حقوق عمومی، چگونگی مهار قدرت سیاسی است؛ زیرا انسان عادی، فاقد قوه عصمت است و احتمال خطا از سوی او وجود دارد. پس، منفعت و مصلحت جامعه اسلامی اقتضاء می‌کند که بر کارهایشان نظارت شود و آنها پاسخگوی اعمال خود باشند، همه این مشکلات، در سایه ارج نهادن به گروه‌های سیاسی - اجتماعی و تقویت آنان حل می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

- آقایخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- اسلام‌پناه، مهدی؛ هادوی‌کاشانی، اصغر (۱۳۹۷). عدالت و الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی. تهران: منشور سمیر.
- تتهایی، ابوالحسن (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی نظری، مبانی، اصول و مفاهیم. تهران: برنا.
- الوانی، مهدی (۱۳۷۸). بازتاب جلوه‌های نظریه بی‌نظمی در مدیریت. مطالعات مدیریت، شماره ۲۱-۲۲.
- جعفرپیشه فرد، مصطفی؛ جبل عاملی، محمدسعید (۱۳۹۹). امر به معروف و نهی از منکر پیشران پیشرفت در دولت اسلامی. ققه دولت اسلامی، (۱)۱.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶). نگاشت‌ها و نگرش‌هایی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. تهران: الگوی پیشرفت.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۹). مسأله ساختار و کارگزار در علوم اجتماعی. روش‌شناسی در علوم انسانی، ۱۶(۶۴-۶۵): ص ۱۶۶-۱۴۷.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۹). جامعه‌سازی قرآنی. قم: دلیل ما، چاپ نهم.
- درستی، احمد (۱۳۷۹). دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی درباره مسأله کارگزار و ساختار. علوم سیاسی، شماره ۱۲: ص ۲۴۴-۲۳۰.
- راولز، جان (۱۳۹۰). نظریه عدالت. محمدمکمال سرویان و مرتضی بحرانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رشیدرضا، سیدمحمد (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفه، ج ۴.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۴). آشوب در سیاست جهان: نظریه‌ای درباره دگرگونی و پیوستگی. علیرضا طیب. تهران: روزنه.
- سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۹۷). عدالت سیاسی در قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صدرالمتألهین (۱۳۵۴). المبدأ والمعاد. تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۱). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۳.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). نظارت بر اعمال حکومت در عدالت اداری. تهران: دانشگاه تهران.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۴). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵). روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرا اثبات‌گرایی). تهران: دانشگاه تهران.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۸). اسلام دین فطرت. تهران: سایه، چاپ چهارم.
- میر محمدی، محمد (۱۳۸۳). الگوی نظارت و کنترل در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: میزان، ج ۱.